

مستمسك از قبيل فضول ، وعمل غير مقبول شمرده ميشده ، وديري كه چون آن بلاد از مركز سياست بغايت دور ، واهل انجا از اخبار عالم واحوال دولت عليه درين زمان مهجورند ، لر بي مستمسك بدان كار متمسك شوم ، ربما امراء انديار را خوش نيايد . وازين طلب اتفاق نفاقي زايد . لهذا بران ابهت شعار عرض مينمايم ، كه اين مكتوب را بنظر دوربين خود نذرانيده ، ومضامين آن را يك يك بدیده عقل اصابت قرين دیده . بدون آنكه ملاحظه شود كه نويسنده اين شخصي ايست حقير ، ويامرديست نا چيز وفقير ، وياخود مراتب عاليه ندیده ، وبمناصب متعاليه نرسيد ، زيرا بران دولت مدار ظاهر است كه در هر زمان امثال اين فعلهاي ستر ، وعملهاي بزر ، از چون مني خاتمه بدوش خشن پوش ، كه سرد ورم جهان را دیده ، وتلخ وشيرين زمان را چيده ، وچندين كوهها وبيابانها را پيموده ، واحوال جهانيان را ازموده ، بظهور رسیده است . واصحاب مناصب دائما بر مناصب خود هراسان ، و خداوندان مال وجاه برجاه ومال خود لرزان بوده اند ، ودارايان نعمت تاب مهنت ومشقت نداشته اند ، پس لر اين استدعي مقبول راي اصلي ، وخرد خورده بين آن خداوند دانش وهوش افتد ، امر نامه ئي از دولت مفتخرم سازند . وباذن صريحي اين حقير را بنوازند ، تا آنكه بتعجيل تمام قبول از فوت وقت بكار پردازم ، ودرين ميدان بهوا خواهي ملت جان خويش را بازم ، ولر از براي دستور العمل رفتن آمدن ، خود اين عاجز باستانه عليه نيز از دل وجان تابع فرمامم ، باقي امر وفرمان آن خداوند امر وفرمان راست .

الترجمة العربية:

إلى الركن الركين للملك والملة، والحصن الحصين دوما للدولة